

۱۷۲۹

سرلشگر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، هم اظهارات دو هفته پیش عبدالناصر همتی مبنی بر توقف صادرات نفت و صفر شدن درآمد ارزی را تکذیب کرد

دیروغی که دلار را ۳۰ هزار تومان گران کرد

قیمت دلار

ادعای همتی درباره صفر شدن صادرات نفت

۲۸ مرداد ماه عبدالناصر همتی، رئیس بانک مرکزی پزشکیان، با حضور در یک برنامه تلویزیونی ادعایی را مطرح کرد که سبب التهاب در بازارهای کشور شد. در حالی که از ابتدای سال بازار ارز در نوسانات اندکی قرار داشت همتی آن شب ادعا کرد صادرات نفت ایران صفر شد و بازگشت درآمدهای ارزی هم متوقف شده است. در آن آن سخنان همتی قیمت دلار به طور انفجاری روبه افزایش گذاشت و از ۱۸۸ هزار تومان به بیش از ۲۲۰ هزار تومان رسید.

با اینکه وزیر نفت چند روز بعد تلاش کرد این اظهار نظر نادرست را اصلاح کند اما التهاب ایجاد شده در بازار ارز تا اوم یافت. یکشنبه شب هم سرلشگر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، اظهارات همتی درباره صفر شدن صادرات نفت ایران را تکذیب کرد. رضایی اعلام کرد: ایران هر روز ۱٫۵ میلیون بشکه نفت می‌فروشد و پولش هم می‌رسد و مشکلی نداریم و اینکه می‌گویند صادرات نفت ایران قطع شده و ارز نداریم نادرست است.

وی بخش زیادی از فضای موجود را ناشی از جنگ روانی طراحی شده از سوی طرف مقابل دانست و بر ضرورت تعدیل قیمت دلار در بازار داخلی با توجه به فروش نفت و دریافت ارز تأکید کرد.

۱۷۲۹

گرانی ارز با وجود تحقق کامل درآمدهای نفتی دولت

آمارهای وزارت نفت نشان می‌دهد که این وزارتخانه از ابتدای سال تاکنون ۹ میلیارد دلار درآمد نفتی را در اختیار بانک مرکزی قرار داده است. کل ارزی که برای واردات کالاهای اساسی در بودجه پیش‌بینی شده ۸٫۸ میلیارد دلار است.

با توجه به اینکه وضعیت درآمدی دولت پزشکیان در نیمه اول امسال، مطلوب بوده و حتی از سال گذشته نیز بهتر شده، گرانی ارز در روزهای اخیر دلیلی جز التهابات روانی ندارد که متأسفانه برخی مسئولان دولتی خصوصاً عبدالناصر همتی، رئیس بانک مرکزی، متهم اصلی این گرانی هستند.

۴ هفته قبل همتی با حضور در یک برنامه تلویزیونی ادعا کرد که درآمد صادرات نفتی کشور صفر شده است. این اظهار نظر موجب شوک در بازار ارز شد. مدتی بعد هم مسعود پزشکیان در یک مصاحبه اعلام کرد که نمی‌توانیم نفت بفروشیم. با اینکه چند روز بعد وزیر نفت این اظهارات را تکذیب کرد اما دیگر کار از کار گذشته بود و بازار ارز دچار شوک روانی شده بود.

بر اساس گزارش خبرگزاری فارس، در اواخر مرداد ماه بانک مرکزی واریز ۷٫۵ میلیارد دلار از درآمد فروش نفت به حساب خود را تأیید کرد؛ رقمی که منابع ارزی در دسترس این بانک را تقویت می‌کند. این مبلغ به فروش‌هایی مربوط می‌شود که پیش‌تر انجام شده و اکنون در قالب ارز حاصل از صادرات به کشور بازگشته است. در شهریور ماه هم تاکنون یک میلیارد دلار دیگر از درآمد های نفتی محقق شده است.

این رقم برای کسانی که نگران ارزش پول ملی هستند اهمیت دارد، چون منابع ارزی در دسترس بانک مرکزی را افزایش می‌دهد. بانک مرکزی از همین منابع برای تأمین نیاز واردات و کنترل نوسان در بازار ارز استفاده می‌کند. هرچه ذخایر ارزی بیشتر باشد، ابزار بانک مرکزی برای مهار جهش قیمت دلار نیز گسترده‌تر می‌شود.

۷۰٫۵ میلیارد دلار رقمی معادل بخش قابل توجهی از نیاز کشور به کالاهای اساسی است. به بیان ساده، این مبلغ می‌تواند بخشی از واردات کالاهایی مانند غلات، دارو و مواد اولیه صنعتی را برای مدتی پوشش دهد.

بر اساس اعلام خبرگزاری فارس، بخشی دیگر از درآمدهای نفتی مربوط به فروش های اخیر هنوز به این حساب واریز نشده است. مقام‌های بانک مرکزی گفته‌اند این ارز نیز به تدریج و طی هفته‌های پیش‌رو واریز خواهد شد.

افزایش تدریجی این منابع می‌تواند به معنای در دسترس تر شدن ارز برای واردکنندگان باشد. این موضوع، دست‌کم در کوتاه‌مدت، می‌تواند فشار تقاضا در بازار آزاد را کاهش دهد؛ هرچند میزان و زمان اثرگذاری آن به نحوه تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی بستگی دارد.

درآمد حاصل از صادرات نفت یکی از منابع اصلی تأمین ارز در اقتصاد کشور است. نوسان در حجم و زمان بندی این واریزها در سال‌های اخیر بارها بر روند قیمت دلار در بازار داخلی اثر گذاشته است.

وزیر ارتباطات: به مصوبه بدیم که تلگرام و توئیتر برای دستگاه‌های دولتی باز بیشه مردم روسرگرم کنیم

عارف: دلار داره روز به روز گرون تر می‌شه! چی کار کنیم!؟

۱۷۲۹

ناوهای آمریکایی در تیررس موشک‌های ایران ایران معادله جنگ را تغییر داد

ایران با شلیک بالستیک به سوی ناوهای آمریکایی، هشدار دریایی خود را به میدان عمل برد؛ اقدامی که دبیر شورای عالی امنیت ملی هدفش را باورپذیر کردن تهدید تهران دانست.

به گزارش فارس، سرلشکر محسن رضایی از شلیک یک موشک بالستیک «خاص» به سوی ناو آمریکایی خبر داد؛ اقدامی که به گفته دبیر شورای عالی امنیت ملی، ۴۸ ساعت پیش از این اظهارات انجام شد تا طرف آمریکایی جدید هشدار ایران را در میدان ببیند. سرلشکر رضایی، وضعیت ایجاد شده برای ناو را با عبارت «واقعاً یک جهنمی به وجود آمد» توصیف کرد و از گریزان خبر داد. توضیح او درباره هدف شلیک، محور راهبردی موضوع پاسخ قرار گیرد.



نسخه پیچی حسن روحانی برای تنگه هرمز؛ دفاع از تمامیت ارضی رفراندم بردار نیست!

اظهارات اخیر حسن روحانی پیرامون پایان جنگ، تخطئه انتقام خون رهبر شهید انقلاب و تصفیه اقتدار ایران بر تنگه هرمز، بازتولید آشکار گفتمان سازش در بزنگاه تقابل با دشمن است؛ رویکرد انفعالی پانی فاجعه آبان ۹۸ که با تحریف مفهوم «دفاع مشروع» و نادیده گرفتن اهرم پیروزی در نبرد ۴۰ روزه، عملاً پازل جنگ شناختی و واشنگتن را تکمیل می کند. اظهارات اخیر حسن روحانی، رئیس جمهور اسبق، بار دیگر نشان داد جریانِی که سال ها کشور را معطل سراب بلخند غرب کرد، هنوز از خواب غفلت بیدار نشده و درست در بزنگاه های تاریخی، همان ادبیات منفعلانه و خطای محاسباتی گذشته را بازتولید می کند. سخن گفتن از واژگان فریبنده ای همچون مشورت با مردم درباره پایان جنگ، تخطئه انتقام خون رهبر شهید انقلاب و حمله غیرمستقیم به حاکمیت مقتدرانه ایران بر تنگه هرمز، نه نشانه ای از دغدغه مندی ملی، بلکه تکرار همان دست فرمان معیوبی است که سال ها کشور را به لبه پرتگاه برد. این سخنان بیش از آنکه حکایت از دلسوزی حسن روحانی باشد، پازل جنگ شناختی دشمن را تکمیل می کند؛ مغالطه هایی که شاید ظاهر شبیک و فریبنده ای داشته باشد اما نیازمند کالبدشکافی و تبیین دقیق خطای محاسباتی است که پشت ظاهر جذاب حرف هایش پنهان شده است.

پایان جنگ با پایان دفاع از کشور؟!

روحانی در بخشی از سخنان خود با تمسک نااشیانه به سیره نبوی، مدعی شده که همانگونه که پیامبر از مردم مشورت می گرفت، باید برای پایان دادن به جنگ از مردم مشورت گرفت و همان را اجرا کرد. طرح چنین ادعایی، پیش از هر چیز ناشی از خطای محاسباتی در درک عمیق ماهیت بحران فعلی است. نخستین پاسخ روشن به این شبهه آن است که ملت ایران اگر هیچ جنگی نبوده و نیست؛ ما وارد یک نبرد تحمیلی برای دفاع از کِیان، تمامیت ارضی و ناموس کشور شدیم. میان جنگ طلبی و دفاع مشروع تفاوت از زمین تا آسمان است که شاید درک آن برای صاحبان نظریه «بدیم بر» سخت باشد؛ دفاع، واکنشی عقلانی، شرعی و فطری در برابر تجاوز آشکار است. مادامی که دست اندازی و آتش افروزی دشمن صهیونیستی و آمریکایی علیه این آب و خاک ادامه دارد، توقف مقاومت و دفاع معنایی جز تسلیم و نابودی ندارد. نقطه پایان جنگ، پای میز مذاکره التماسی تعیین نمی شود؛ بلکه حداقل زمان پایان جنگ، دقیقاً همان لحظه ای است که تجاوز دشمن متوقف شود و ماشین ترور و جنایت آنان سرکوب گردد. مضافاً بر این، «استدای به سیره پیامبر اعظم (ص) نیز تحریفی آشکار است؛ پیامبر اکرم (ص) در تائیک های رزم و دفاع از مدینه با ناصحاب مشورت می کردند، اما هیچ یک از برابر هجوم احزاب و مشرکان، بر چرم تسلیم برافراشته نداشتند و اصل دفاع از جامعه اسلامی را به سابقه رفراندوم های سیاسی نسپردند.

بانی ضد مردم ترین فتنه تاریخ انقلاب

شکفت آئین و تزلزل رخ از اصل مغالطه، شخص گوینده آن است. دولت مردی امروز رای دلسوزی رای رجوع به افکار عمومی و مشورت با مردم به تن کرده که سیاست دری و خسارت بارترین کارنامه دولت های پس از پیروزی انقلاب اسلامی را برجای گذاشته است. حافظه تاریخی ملت ایران هرگز فاجعه بزینی آبان ۱۳۹۸ رفراموش نخواهد کرد؛ شبی تاریک که بدون کمترین اقتناع افکار عمومی، بدون اطلاع رسانی به جامعه و بدون هرگونه مشورت با کارشناسان مردم، تصمیمی ویرانگر اتخاذ شد و تبعه های التهاب و ناامنی را در کشور برافروخت. چگونه فردی که پس از تحمیل سنگین ترین فشارهای معیشتی و امنیتی به جامعه، با نیشخندی تلخ اعلام کرد «من خودم هم صبح جمعه متوجه شدم»، امروز به خود اجازه می دهد پیرامون لزوم مشورت با مردم درس اخلاق سیاسی بدهد؟ کسانی که در دوران مسئولیت، افکار عمومی را نادیده گرفتند، اقتصاد را به برجام های بی فرجام گره زدند و کرامت ملت ایران را درهای بسته وین و ولوزان ذبح کردند، کمترین وظیفه مشروعیت ووجهی برای طبلکاری و سخن گفتن از حق مشورت با مردم را ندارند.

انتقام خون رهبر شهید، مطالبه به حق ایرانیان

یکی دیگر از محورهای پر خسارت اظهارات روحانی، حمله به اصل مطالبه انتقام خون مطهر رهبر شهید انقلاب است. وی با ساروسازی و خیال پردازی مدعی شده که در آستانه به نتیجه رسیدن مذاکرات اسلام آباد، عده ای با پیش کشیدن ماجرای انتقام، میز دیپلماسی را بهم زدند. این ادعا چیزی جز تطهیر چهره و کریه و احساسی با آمریکا نیست، عاملی که همواره مذاکرات را عقیم گذاشته، نه غیرت دینی و ملی رزمندگان و مطالبه کنندگان انتقام، بلکه بدعهدی ذاتی، خوی استکباری و تجاوزات رژیم رژیم آمریکا بوده است؛ دشمنی که دستش با ترفیق به خون بهترین فرزندان این امت آلوده است، هرگز پایبند به اصول دیپلماتیک نبوده و نخواهد بود. حقیقت ماجرا این است که مطالبه انتقام خون رهبر شهید انقلاب، موضعی احساسی یا مقطعی نیست، بلکه استراتژی تضمین بقا و احیای یادآرندگی و امنیت ملی کشور است. در رأس این مطالبه، شخص رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای ایستاده اند. ایشان با صلابت، مطالبه بحق ملت غیور ایران در تنبیه جنایتکاران را رهبری می کنند. تقابل سازی میان «میدان» و «دیپلماسی»، نسخه ای نخبه نما و صدارتی اتاق های فکر واشنگتن است؛ چراکه تنها ضربه محکم و انتقام قطع است که امنیت پایدار را تثبیت می کند، نه امتیازدهی از موضع ضعف.

همان روحانی همیشگی، تنگه هرمز هم «بدیم بره»؟!

نگاه انفعالی آقای روحانی در پرونده ژئوپلیتیک و اهریدی تنگه هرمز نیز کاملاً آشکار است. نام گذاری این گذرگاه حساس به عنوان تنگه امنیت و رونق در برابر تنگه جنگ و نخبه نمایی رویکرد قاطعانه جمهوری اسلامی ایران در کنترل و مدیریت تردد شناورها و توصیه به رعایت حقوق بین الملل نشان دهنده ناآشنایی عمیق با الفبای قدرت بازآرندگی است. امنیت پایدار و رونق اقتصادی هرگز با چشم پوشی از مؤلفه های قدرت ژئوپلیتیک به دست نمی آید. تجربه میدانی ثابت کرده است که دقیقاً همین اهرم راهبردی تنگه هرمز بود که سرشوت نبرد ۴۰ روزه را به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم زد و پیروزی را برای ملت به ارمغان آورد. ایران مقتدر توانست با تکیه بر حق حاکمیتی و تسلط بر شران حیاتی انرژی جهان، ماشین جنگی ارتش آمریکا را همکار کرده و واشنگتن را زیر فشار سهمگین ژئوپلیتیکی وادار به عقب نشینی کند. آیا باید این اهرم حیاتی را که ضامن بازآرندگی ملی است، به بهای خوش خیالی های اقتصادی به حراج گذاشت؟ تقلیل دادن اقتدار دریایی ایران به تنش آفرینی، امتداد همان نگاهی است که پیش از این نیز صنعت هسته ای و توانمندی های بیومی کشور را قربانی کرد. حال سوالی که در رابطه توصیه به شیخ دیپلمات به رعایت حقوق بین الملل مطرح می شود این است که آقای روحانی چگونه از توصیه به رعایت حقوق پوشالی بین الملل شرم نمی کند؟ مگر دشمن قسم خورده آمریکایی ما از تحریم داروهای بیماری پروانه ای گرفته تا ردن مدرسه می دفاع شجره طویه در میان و عوسری در سیریک این حقوق نیم بندی که روحانی بی گوید را رعایت کرده است؟ در کدام یک از موارد طومار بلند و بالایی جنایات آمریکا در حق ملت ایران، حقوق بین الملل رعایت شده است که ما بخوابیم در رابطه با اهرم قدرت خودمان حقوق بین الملل را رعایت کنیم؟

بازار کم عمق غیر رسمی ارز با وجود حجم محدود معاملات،

از مسیر اثر گذاری بر انتظارات می تواند به سیگنال تبدیل شود. یکی از چالش های مهم بازار ارز در شرایط فعلی، فاصله میان «عمق واقعی معاملات» و «اثر گذاری قیمتی» بازار غیر رسمی است؛ بازاری که در کانال های تلگرامی، معاملات فردایی و مراکز غیر رسمی مانند سبزه میدان دنبال می شود، اما در مواردی نرخ های اعلام شده در آن به عنوان سیگنال انتظارات، بر تصمیمات اقتصادی در سایر بازارها نیز اثر می گذارد.

مسئله اصلی اینجاست که اگر حجم واقعی معاملات در این بخش از بازار نسبت به نیاز ارزی اقتصاد بسیار محدود باشد، چارنرخ حاصل از چند معامله محدود می تواند به مبای ذهنی قیمت گذاری در بخش هایی از اقتصاد تبدیل شود و حتی انتظارات فعالان اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد؟

این پرسش زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که در سوی دیگر بازار، بازار رسمی ارز با حجم بسیار بزرگ تری از عرضه و تقاضا فعالیت می کند. به بیان دیگر، ممکن است بخش کوچکی از معاملات ارز، از نظر حجم، توان تعیین کننده ای برای تأمین نیازهای اقتصاد نداشته باشد، اما از نظر «سیگنال دهی» و شکل دهی به انتظارات، اثر بسیار بزرگ تری پیدا کند.

بازار غیر رسمی، بازار قیمت بازار سیگنال؟

برای تحلیل بازار غیر رسمی ارز باید میان دو مفهوم «کشف قیمت» و «سیگنال قیمت» تفاوت قائل شد. بازار عمیق بازاری است که تعداد زیادی خریدار و فروروشنده با حجم قابل توجه در آن حضور دارند و نرخ حاصل از برآیند معاملات، تصویر نسبتاً مناسبی از تعادل عرضه و تقاضا ارائه می کند.

اما در یک بازار کم عمق، ممکن است تعداد محدودی معامله در قیمت های بالاتر یا پایین تر انجام شود و همان معاملات، نرخ قابل مشاهده بازار را جابه جا کنند. در چنین شرایطی، نرخ اعلام شده



بازار کم عمق ارز چگونه نرخ تعیین می کند؟

لرزمه آ به معنای آن نیست که تمام تقاضای موجود در اقتصاد

حاضر است با همان قیمت ارز خریداری کند.

این تفاوت در بازار ارز اهمیت مضاعفی دارد؛ زیرا نرخ غیررسمی علاوه بر اثر مستقیم بر معاملات خارج از شبکه رسمی، می تواند به یک «لنگر ذهنی» برای فعالان اقتصاد تبدیل شود. واردکننده، صادرکننده، فروشنده کالا و حتی مصرف کننده ممکن است پیش از آنکه معامله واقعی با نرخ اعلام شده انجام دهد، تصمیم خود را بر اساس تصورش از نرخ آینده تنظیم کند.

به همین دلیل، ممکن است حجم معاملات در بازار غیررسمی بسیار کوچک تر از حجم معاملات رسمی باشد، اما اثر آن بر انتظارات و در نتیجه بر رفتار اقتصادی، بسیار بزرگ تر از وزن واقعی آن در معاملات باشد.

انتظارات تورمی؛ حلقه اتصال بازار ارز و قیمت کالاها

یکی از متغیرهایی که می تواند این سازوکار را تشدید کند، انتظارات تورمی است. بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، تورم ماهانه در تیرماه به ۳/۸ درصد و در مردادماه به ۳/۴ درصد رسیده است. این ارقام اگرچه نسبت به برخی دوره های پر تنش فاصله گرفته اند، اما همچنان نشان دهنده تداوم افزایش سطح عمومی قیمت ها هستند. از سوی دیگر، تورم نقطه به نقطه در مناطق روستایی با اندکی افزایش نسبت به ماه قبل به ۱۰/۸۴ درصد رسیده و تورم نقطه به نقطه در ۹ استان کشور با ۱۰ درصد گزارش شده است. این ارقام از منظر بازار ارز یک پیام مهم دارند؛ حتی اگر سرعت رشد ماهانه قیمت ها در مقاطعی کاهش پیدا کند، بالا بودن تورم دیگری پیدا می کند و نشان می دهد بخشی از تقاضای ارز عملاً خارج از سازوکار رسمی در حال شکل گیری و معامله است.

از ایسن منظر، یکی از نیازهای سیاست گذاری ارزی، تفکیک دقیق میان حجم واقعی معاملات، نرخ های اعلامی و اثر انتظاری نرخ غیررسمی است. صرف مشاهده یک نرخ در یک

کانال یا تابلوی معاملاتی نمی تواند به تنهایی نشان دهد که چه میزان تقاضای واقعی پشت آن نرخ قرار دارد.

تجارت خارجی؛ ضلع دیگر معادله ارز

این بحث در شرایطی مطرح می شود که تجارت خارجی کشور نیز با محدودیت هایی مواجه است. بر اساس آمار مورد اشاره، ارزش واردات کشور در پنج ماهه نخست سال نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۲۵ درصد کاهش داشته است.

کاهش واردات از یک سو می تواند به معنای کاهش بخشی از تقاضای ارز برای واردات باشد، اما از سوی دیگر باید توجه داشت که محدود شدن مسیرهای تجارت رسمی می تواند پیامد های دیگری نیز داشته باشد. هنگامی که بخشی از مسیرهای رسمی تجارت، نقل و انتقال پول یا تأمین ارز با محدودیت مواجه می شود، بخشی از فعالان اقتصادی ممکن است برای تأمین نیاز خود به مسیرهای جایگزین روی بیاورند.

از همین رو، کاهش واردات را نمی توان صرفاً به معنای کاهش فشار ارزی دانست؛ باید بررسی کرد که این کاهش تا چه اندازه ناشی از کاهش واقعی تقاضا و تا چه اندازه حاصل محدود شدن ظرفیت تجارت رسمی و دشوار شدن فرآیند واردات است.

در شرایطی که سیاست گذار تلاش می کند با مدیریت ثبت سفارش، تخصیص ارز و کنترل واردات، از ایجاد فشار مضاعف بر منابع ارزی جلوگیری کند، شکل گیری تقاضا در خارج از شبکه رسمی می تواند بخشی از این سیاست را یا چالش مواجه کند.

در نهایت، چالش بازار غیررسمی ارز را نباید تنها با حجم دلارهای معامله شده در آن سنجد. مسئله مهم تر، نسبت میان عمق بازار، قدرت سیگنال دهی و انتظارات تورمی است.

ممکن است بازاری از نظر حجم معاملات کوچک باشد، اما به دلیل دسترسی سریع به قیمت، انتشار گسترده نرخ ها و حساسیت فعالان اقتصادی نسبت به آینده تورم و ارز، به مرجع ذهنی تصمیم گیری تبدیل شود.

در چنین وضعیتی، سیاست گذار با دو بازار مواجه است: یک بازار رسمی با حجم بالی عرضه و تقاضا که امکان سیاست گذاری و نظارت بیشتری بر آن وجود دارد و یک بازار غیررسمی کم عمق که ممکن است حجم معاملات آن محدود و نرخ های آن به سرعت

در اقتصاد منتشر می شود. بنابراین، پاسخ به چالش بازار غیررسمی صرفاً افزایش عرضه ارز یا برخورد با

کانال های اعلام نرخ نیست. بخش مهمی از مسئله شفاف شدن حجم واقعی معاملات، کاهش فاصله میان

نرخ های مختلف، مدیریت انتظارات تورمی و تسهیل تجارت رسمی بازمی گردد. به گزارش تسنیم، هرچه دسترسی فعالان اقتصادی به بازار رسمی شفاف تر و پیش بینی پذیرتر

باشد و نااطمینانی درباره آینده تورم و ارز کاهش یابد، ظرفیت بازارهای کم عمق برای تبدیل شدن به مرجع قیمت گذاری نیز محدودتر خواهد شد.

اطلاعاتی و انتظاری میان بازار رسمی و غیررسمی افزایش پیدا کند، حتی حجم محدودی از معاملات می تواند اثر قابل توجهی بر ذهنیت فعالان اقتصادی بگذارد؛ مسئله ای که نشان می دهد در بازار ارز، «عمق معامله» و «عمق اثرگذاری» الزماً یکسان نیستند.

این روایت، بدون توجه به سلسله حوادث و اقدامات

طرف مقابل، تصویری ناقص از واقعیت ارائه می دهد. اگر آمریکا را رژیم صهیونیستی اقدام نظامی دارند، پاسخ ایران را نمی توان به سادگی در چارچوب «انتخاب جنگ» تعریف کرد.

محمد اکبر بزرده، فعال رسانه ای، برای توضیح این مسئله یک مثال ساده مطرح کرده است: اگر متجاوز وارد خانه شود، آیا نباید از اهل خانه پرسید «دفاع کنیم یا نه»؟

وی تصریح می کند که فارغ از ادبیات این مثال، سؤال اصلی و واضح این است که آیا حق دفاع از کشور باید به عنوان انتخاب جنگ معرفی شود؟

فشار اصلی باید متوجه ناقص عهد باشد

تحلیلگران می گویند که امروز اگر قرار است درباره

آینده کشور بحث شود، بهتر است انرژی جامعه به جای درگیری فرسایشی بر سر اختلافات داخلی، متوجه مسئله اصلی شود، آمریکا و متحدانش اگر توافقی را می پذیرند، باید هزینه نقض آن را نیز بپردازند.

سید محمد حسینی درباره همین موضوع تأکید می کند: نمی شود هر بار که طرف مقابل عهد می شکند، فشار می آورد یا مسیر نظامی را انتخاب می کند، دوباره در داخل کشور این سؤال را مطرح کرد که «چرا ایران کوتاه نمی آید؟» این منطق، در نهایت به این نتیجه خطرناک می رسد که طرفی که فشار می آورد مطالبه گرمی شود و طرفی که در برابر فشار مقاومت می کند، متهم. این معادله نیازمند اصلاح است.

مردم یک باز نیخانه این نسخه را دیده اند

منتقدان می گویند مردم ایران پیش از این یک بار نسخه «اعتماد به توافقی با غرب برای حل مشکلات» را تجربه کرده اند. نتیجه آن نیز برای افکار عمومی روشن است: توافقی انجام شد، آمریکا خارج شد و تحریم های بازگشت، اکنون اگر قرار است نسخه جدیدی برای کشور ارائه شود، باید شرایط آن شاعر «صلح» درباره ضمانت، راستی آزمایی و هزینه نقض عهد سخن گفته شود.

مهدی تقوی استاد دانشگاه می گوید که بهتر است به جای چنین مباحثی به این سؤال پاسخ داده شود که نتیجه سال ها اعتماد به غرب چه شد؟ ما بارها اعتماد کردیم ولی طرف مقابل به ما حمله کرد، امروز دوگانه اصلی مقاومت و تسلیم است و چیزی جز این معنی ندارد.

آقای روحانی، دوگانه اصلی، «مقاومت و تسلیم» است نه چیز دیگر



اظهارات روحانی تأکید می کند که آقای روحانی بیش از هر چیزی باید بگوید که نتیجه سیاست اعتماد به غرب چه شد؟ دستاوردی برای مردم داشت و چرا توافقی که قرار بود تحریم ها را بردارد، با خروج یک جانبه آمریکا به نقطه ای رسید که تحریم ها دوباره بازگشتند؟

روزوار اظهارات منتقدان نشان می دهد که آنها بماندگاره مشکل ندارند؛ با اعتماد بی ضمانت مشکل دارند، آن ها می گویند که این مغالطه نباید تکرار شود؛ اینکه هر منتقد مذاکره یا توافقی، الزماً طرفدار جنگ است. این موضوع در حالی است که حتی در بحث تفاهم نامه اخیر نیز مسئله اصلی بسیاری از منتقدان لزوماً اصل گفت وگو یا متن تفاهم نامه نبود؛ بلکه رفتار طرف

مقابل و ضمانت اجرای تعهدات اوست. محمد امین سلیمی، کارشناس مسائل سیاسی، نیز با اشاره به تجربه برجام، لوزان و سعدآباد تأکید می کند که نگرانی اصلی از معامله با طرفی است که بارها تعهدات خود را نقض کرده است.

وی ادامه می دهد که این یک اختلاف کارشناسی جدی است و نمی توان آن را با برچسب «جنگ طلبی» کنار گذاشت. اگر طرف مقابل به تعهدات خود عمل کند، مذاکره می تواند ابزار کاهش تنش باشد؛ اما اگر توافقی

افضا شود و طرف مقابل هم زمان مسیر فشار و تهدید را ادامه دهد، مشکل دیگر در «مخالفت ایران با صلح» نیست. مشکل، نقض تعهدات طرف مقابل است.

چرا باید جای متجاوز و مدافع عوض شود؟ گرفتن انگشت اتهام به سوی طرف دیگر و ارائه تصویری وارونه از واقعیت جنگ با چه هدفی دنبال می شود؟ **نتیجه سیاست اعتماد به غرب چه شد؟** سید محمد حسینی استاد دانشگاه هم در واکنش به

ا بحران های چندلایه عبور کند و حتی پس از جنایت دشمن آمریکایی و شهادت رهبر انقلاب، ظرفیت بسیج کنندگی و ایستادگی مردم یای ایران همچنان خود را نشان داده است؛ موضعی که طبیعی است موجب نگرانی و ناراضی های عمیق دشمنان شود.

بنابراین باید مراقب بود برخی اظهار نظر ها به جای تقویت انسجام داخلی، زمینه خرسندی دشمن را فراهم کنند.

بخشی المونی ادامه داد: حسن روحانی که منتقدان، بخشی از مشکلات اقتصادی و معیشتی امروز را متأثر از عملکرد و ترک فعل های دولت اومی دانند، نباید با طرح چنین مطالباتی به دنبال فرافکنی از کارنامه دولت خود باشد.

بخش قابل توجهی از مشکلات امروز، در نگاه منتقدان، ریشه در هشت سالی دارد که کشور در انتظار تحقق وعده های برجامی بود؛ جواد بخشی المونی استاد دانشگاه تأکید می کند که همان گونه که دولت وقت هزینه خروج ترامپ از برجام را متوجه منتقدان و دلسوزان کشور کرد، امروز نیز برخی اظهار نظر ها به جای

گونه ای مطرح می شود که گوئی ایران آغازگر درگیری با آمریکا بوده است.

بخشی المونی با اشاره به مواضع ترامپ درباره جنگ ویتنام افزود: در شرایطی که رئیس جمهور آمریکا با استناد به تجربه جنگ ویتنام درصدد توجیه جنگ طولانی با ایران است، این پرسش مطرح می شود که گرفتن انگشت اتهام به سوی طرف دیگر و ارائه تصویری وارونه از واقعیت جنگ با چه هدفی دنبال می شود؟

نتیجه سیاست اعتماد به غرب چه شد؟

سید محمد حسینی استاد دانشگاه هم در واکنش به



مدیرعامل گروه توسعه انرژی نفت و گاز لاوان: مگاوات متصل به شبکه برای ما مهم است، نه مگاوات روی کاغذ

به گزارش روابط عمومی گروه مالی گردشگری، جعفرزاده، مدیرعامل گروه توسعه انرژی نفت و گاز لاوان، در آیین بهره‌برداری از نیروگاه خورشیدی ۳ مگاواتی کاشمر با تأکید بر عزم گروه مالی گردشگری و بانک گردشگری برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر گفت: «برای ما مگاواتی که به شبکه متصل می‌شود اهمیت دارد، نه مگاواتی که صرفاً روی کاغذ نوشته می‌شود.» وی افزود: گروه مالی گردشگری و بانک گردشگری با هدف گذاری اجرای ۳ هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی، پروژه‌های متعددی را در مقیاس‌های مختلف در سراسر کشور دنبال می‌کنند و با وجود محدودیت‌های مالی، تأمین تجهیزات و شرایط دشوار اجرایی، روند اجرای طرح‌ها متوقف نشده است. جعفرزاده با اشاره به پروژه کاشمر اظهار کرد: نیروگاه ۳ مگاواتی این منطقه به بهره‌برداری رسیده و هم‌زمان عملیات اجرایی نیروگاه ۴ مگاواتی آغاز شده است. با اجرای طرح ۱۰ مگاواتی پیش‌بینی شده، ظرفیت برنامه‌ریزی شده نیروگاه‌های خورشیدی این مجموعه در کاشمر به ۱۷ مگاوات می‌رسد.

روزشمار پایان ذخایر نفتی واشنگتن؛ آمریکا از این پس غول نفتی نیست

آمریکا با وجود ثبت رکورد بی‌سابقه تولید ۱۳.۶ میلیون بشکه نفت در روز و عبور از کشورهایی مثل عربستان و روسیه، فقط ۹ سال ذخایر اثبات‌شده دارد و به‌زودی به واردکننده خالص نفت بازمی‌گردد. آمریکا امروز، بدون شک، یک قدرت بزرگ در حوزه نفت به‌شمار می‌رود؛ به‌طوری‌که تولید واقعی آن در سال ۲۰۲۴ از مرز ۱۳ میلیون بشکه در روز فراتر رفته و بالاترین سطح تولید در روی زمین را به خود اختصاص داده است. این رقم از تولید عربستان سعودی با ۸.۲ میلیون بشکه و روسیه با ۹ میلیون بشکه در روز بیشتر است. درست است که ظرفیت تولید عربستان بسیار بیشتر از این حرف‌هاست و به ۱۵.۵ میلیون بشکه می‌رسد اما می‌دانیم که تولید پایین‌تر از حد اکثر ظرفیت، هدفش افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی است. سطح فعلی تولید آمریکا، نشان دهنده یک تحول عظیم در صنعت نفت و گاز این کشور است. چند سال پیش، آینده تولید نفت آمریکا بسیار تاریک به نظر می‌رسید؛ به‌طوری‌که کارشناسان انرژی معتقد بودند آمریکا که زمانی پیش‌رو صنعت نفت بود، بیشتر ذخایر قابل استخراج خود را به پایان رسانده است. اما انقلاب نفت شیل همه‌معادلات را تغییرید.

انقلاب نفت شیل چیست

نفت شیل به نفت محبوس شده در لایه‌های سنگی به نام «سنگ‌های شیل» گفته می‌شود که با روش‌های معمولی وسنتی قابل استخراج نیست. برای استخراج این نفت، از فناوری «شکافت هیدرولیکی» یا همان «شکست هیدرولیکی» استفاده می‌شود که طی آن آب، ماسه و مواد شیمیایی با فشار بسیار بالا به درون این سنگ‌ها تزریق می‌شود تا نفت و گاز محبوس شده در آنها آزاد شود. این فناوری که در ابتدا از سوی شرکت‌های بزرگ نفتی غیر اقتصادی تلقی می‌شد، با تلفیق با «حفاری افقی» (حفاری که پس از رسیدن به عمق مناسب، به صورت افقی در لایه نفتی ادامه پیدا می‌کند) استخراج نفت و گاز از سنگ‌های شیل را ممکن ساخت و آمریکا را به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و صادرکننده گاز طبیعی مایع تبدیل کرد.

کسودنفت در دهه ۱۹۷۰

آمریکا در دهه ۱۹۷۰ به بعد مجبور شد به مقدار زیادی نفت وارداتی تکیه کند تا بتواند رشد اقتصادی خود را حفظ کند. این وابستگی شدید، هزینه‌های سنگینی برای آمریکا داشت؛ از جمله انتقال میلیارد دلار در روز به کشورهای صادرکننده نفت که عمداً اعضای اوپک بودند. علاوه بر این، وابستگی، دیپلماسی آمریکا و برنامه‌ریزان پنتاگون را مجبور کرد تا تلاش‌ها و منابع استثنایی را برای حفظ امنیت خاورمیانه به کار گیرند؛ چراکه این منطقه، بخش اعظم ذخایر نفت شناخته شده جهان را در خود جای داده است. در واقع، هرگونه درگیری یا اختلال طولانی مدت در این منطقه که بر تولید و صادرات نفت تأثیر بگذارد، می‌توانست ضربه‌ای کشنده به اقتصاد آمریکا وارد کند. خاطرات شوک‌های نفتی سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۴ و ۱۹۷۹ و ۱۹۷۹ همچنان در آذهان باقی مانده است.

ساریوی کاملاً متفاوت

اما امروز داستان کاملاً فرق می‌کند. درست است که آمریکا همچنان نفت وارد می‌کند، چون بزرگ‌ترین مصرف‌کننده جهان است و مصرف روزانه آن حدود ۱۹ میلیون بشکه است که از تولید داخلی ۱۳ میلیون بیشتر است اما بیشتر این نفت وارداتی دیگر از خاورمیانه تأمین نمی‌شود. استان آلبرتا در کانادا، ۶۰ درصد واردات آمریکا را تأمین می‌کند. مکزیک نیز با سهم نزدیک به ۱۰ درصد، دومین تأمین‌کننده بزرگ است و باقی مانده که سهم ناچیزی است، در عربستان، برزیل و چند کشور دیگر تعلق دارد.

به عبارت دیگر، آمریکا به نوعی به «استقلال انرژی در نیم‌کره غربی» دست یافته است. درست است که هنوز نفت وارد می‌شود اما بیشتر آن از آمریکای شمالی می‌آید؛ کانادا و مکزیک همسایگان و تأمین‌کنندگان قابل اعتمادی هستند که از نظر جغرافیایی در نزدیکی آمریکاقار دارند و این یعنی مسافت‌های کوتاه‌تر، هزینه حمل‌ونقل کمتر و خدمات لجستیکی ساده‌تر.

معمار انقلاب نفتی آمریکا کیست؟

نکته جالب اینکه این انقلاب انرژی آمریکا مدیون یک نفر است؛ جورج پی. میچل، یک فعال سرسخت صنعت نفت که در سال ۲۰۱۳ درگذشت. وی با وجود شکست‌های متعدد، آزمایش‌های خستگی‌ناپذیر خود را بر روی فناوری شکافت هیدرولیکی ادامه داد و معتقد بود که این فناوری می‌تواند نفت و گاز را از سنگ‌های شیل استخراج کند. اگرچه این فناوری قبلاً شناخته شده بود اما شرکت‌های انرژی آن را از نظر اقتصادی به صرفه نمی‌دانستند و تلاش‌های میچل را اتلاف وقت و پول می‌دانستند. اما میچل به همه ثابت کرد که اشتباه می‌کنند و توانست با بهبود این فناوری و ترکیب آن با حفاری افقی، استخراج نفت از سنگ‌های شیل را به یک فعالیت سودآور تبدیل کند. با این حال، استخراج نفت شیل در آمریکا بسیار پرهزینه است و هزینه آن بین ۲۵ تا ۴۰ دلار در هر بشکه متغیر است. این رقم در مقایسه با هزینه ۸ تا ۱۳ دلاری استخراج نفت در عربستان، سودی بسیار بالاست. به عبارت ساده‌تر، نفت شیل آمریکا تنها زمانی برای شرکت‌های نفتی سودآور است که قیمت نفت در بازارهای جهانی از مرز ۵۰ تا ۵۵ دلار در هر بشکه عبور کند. اگر قیمت نفت پایین‌تر بیاید، استخراج نفت شیل ضرر می‌دهد و شرکت‌ها مجبور به کاهش تولید می‌شوند. این یعنی صنعت نفت شیل آمریکا همیشه در معرض نوسانات قیمت جهانی قرار دارد و این یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف ساختار انرژی این کشور محسوب می‌شود.

سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵

۲۶ ربیع الاول ۱۴۴۸

مدیر مسئول: مهدی مهرپور

چاپخانه: نگار نقش

کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

شماره ۵۴۹

سال دوم

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹

شماره ۵۴۹